

قدرت قضاوت
مردم مهم‌ترین
تکیه‌گاه قدرت
معنوی اسلام
است. نظریه قدرت
اسلامی در پی این
است که قدرت
قضاوت در مردم
از بین نرود. یکی
از اثرات مهم خون
شهدا همین است
که قدرت قضاوت
در مردم ایجاد کرده
و ملاکی به مردم
می‌دهد به گونه‌ای
که فساد تحت هیچ
شرایطی نمی‌تواند
برای مردم خوب
جلوه کند و به عنوان
ارزش تلقی شود.

به این ترتیب اسلام به امتیون موضوعیت داد و آن‌ها را حاملان دین قرار داد. نفس تقلید عوام از خواص را باید طبیعی دانست. اما اینکه تقلید عوام منحصر و محدود به شرایط مهمی باشد که تشخیص آن‌ها هم به عهده خود عوام باشد، انقلاب مهم تاریخی است. پیدا شدن قدرت قضاوت در تاریخ زندگی سیاسی مسلمانان، از مهمترین دستاوردهای اسلامی است و تفاوت جامعه اسلامی را در مقایسه با جوامع غربی نمایان می‌سازد؛ اگرچه در همه جا افراد قدرتمند حکومت می‌کنند اما در بین مسلمانان قدرت قضاوت وجود دارد؛ درحالی‌که در جوامع مسیحی چنین قدرتی کم و بیش از بین رفته است و ملاک خوب و بد مشخص نیست. قدرت قضاوت مردم مهم‌ترین تکیه‌گاه قدرت معنوی اسلام است. نظریه قدرت اسلامی در پی این است که قدرت قضاوت در مردم وجود داشته باشد و از بین نرود. شیخ فضل‌الله نوری (ره) در دوران مشروطیت به شهادت می‌رسد و رضاخان به ظاهر به قدرت می‌رسد ولی این شهادت برای مردم قدرت قضاوت ایجاد می‌کند. مردم به جهت شهادت شیخ فضل‌الله (ره) عملکرد دستگاه حکومت را مورد قضاوت قرار می‌دهند. اکنون هم یکی از اثرات مهم خون شهدا همین است که قدرت قضاوت در مردم ایجاد کرده است. هر فساد هم در جامعه وجود داشته باشد؛ وجود قدرت قضاوت و قیام‌الله، زندگی شایسته را از ناشایست جدا می‌کند. ملاکی به مردم می‌دهد به گونه‌ای که فساد در تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند برای مردم خوب جلوه کند و به عنوان ارزش تلقی شود. «سکولاریزم» هم مربوط به فرضی دانستن این قیام و عمومی شدن ایمان دینی می‌باشد و ارتباطی با اصل قیام، انقلاب و ولایت فقیه که رهبری قیام است، ندارد. جامعه‌ای که قیام کند؛ نیازمند رهبری می‌شود. تشکیل حکومت اسلامی از مسیر آگاهی بخشی به مردم، بیداری اسلامی و سپس اراده و قیام عمومی میسر می‌گردد. اخلاق و سیاست با قیام محقق می‌شود و جوهر جوامع در قیام کردن آن‌ها است. این قیام با بهره‌گیری از نیروی تخیل ممکن می‌شود و زمینه تحقق فضائل و نیل به سعادت را در پرتو حکومت فراهم می‌آورد. جمهوریت و حکومت‌های ملی هم مبتنی بر قیام و قدرت قضاوت مردم هست.

به هر حال در اسلام، دولت را امتیون درست می‌کنند. دولت اسلامی، ظهور قدرت مردمی است و عمومی شدن قدرت حکومتی را نشان می‌دهد. قدرت دولتی در همه ساحت‌های زندگی، عمومی می‌شود. دولت و حکمرانی در نگاه اسلامی، عمومی شده است و همه مردم می‌توانند خود را سهیم در این حکمرانی تلقی کنند. لذا امر سیاسی لاجرم تدریجی خواهد بود. دولت اسلامی و دولت کارآمد، مثل تاج سلطنت است که همگان روی سر می‌گذارند و یکی از ویژگی‌های دولت کارآمد، عمومی شدن حس دولتی